

القول: في شرائط ما يجب بالنذر واليمين والعهد

حجی که با نذر، قسم و یا عهد واجب می شود

وشرائطها اثنتان:

دو شرط دارد:

الأول: كمال العقل، فلا ينعقد نذر الصبي، ولا المجنون.

شرط اول: کامل بودن عقل؛ پس نذرِ کودک یا دیوانه صحیح نیست.

الثاني: الحرية فلا يصح نذر العبد إلا بإذن مولاه، ولو أذن له في النذر فنذر واجب وجزا له المبادرة ولو نهاه، وكذا الحكم في ذات البعل.

شرط دوم: آزاد بودن؛ پس نذرِ برده فقط با اجازه مولایش صحیح است و اگر مولایش به او اجازه نذر را داد و او نیز نذر نمود، حج بر او واجب است و به جا آوردن حج برایش جایز است حتی اگر مولایش او را نهی کند؛ و حکم زن شوهردار نیز به همین صورت است.^(۱)

مسائل ثلاث:

مسائل سه گانه:

الأولى: إذا نذر الحج مطلقاً فمنعه مانع آخره حتى يزول المانع، ولو تمكن من أدائه ثم مات قضي عنه من أصل تركته. ولا يقضي عنه قبل التمكن، فإن عين الوقت فأخل به مع القدرة قضي عنه، وإن منعه عارض لمرض أو عدو حتى مات لم يجب قضاؤه عنه. ولو نذر الحج أو أفسد حجه وهو معصوب لم يجب أن يستتیب.

اول: اگر بی هیچ قید و شرط خاصی نذر کند که به حج برود و مانعی برایش پیش بیاید آن حج را تا وقتی مانع برطرف شود به تأخیر می اندازد؛ اگر شرایط به جا آوردن حج برایش مهیا باشد سپس بمیرد، باید از باقی مانده اموالش قضای حج را از طرف او به جا آورند؛ ولی اگر قبل از برطرف شدن مانع فوت کند، قضا نمودن حج به جای او واجب نیست. اگر برای نذرش وقت تعیین و در انجام آن کوتاهی کرده باشد قضای حج را از طرف او به جا می آورند و اگر تا وقتی که فوت کند چیزی مانند بیماری یا دشمن مانع ادای نذرش شود قضای حج به جای او واجب نیست. اگر نذر

1- یعنی اگر شوهر در ابتدا به همسرش برای به حج رفتنش اجازه دهد و حج بر زن واجب شود، سپس شوهر او را از حج رفتن نهی کند. (مترجم)

کند به حج برود یا به حج خود خللی وارد کند، در حالتی که ضعیف و ناتوان باشد واجب نیست کسی برای حجش اجیر شود.

الثانية: إذا نذر الحج، فإن نوى حجة الاسلام تداخلاً وتجزياً أحدهما عن الأخرى، وإن نوى غيرها لم يتداخلاً. وكذا إن أطلق، ولا تجزي إحداهما عن الأخرى.

دوم: وقتی نذر کند به حج برود، اگر نیتش حِجَّة الاسلام باشد، این دو با هم ادغام می‌شوند و هرکدام را به‌جا آورد کافی است، ولی اگر غیر از این را نیت کند هیچ‌کدام جای دیگری را نمی‌گیرد. همچنین اگر نذرش بی قید و شرط باشد هیچ‌کدام (از حج‌های واجب شده) جای دیگری را نمی‌گیرد.

الثالثة: إذا نذر الحج ماشياً وجب أن يقوم في مواضع العبور، فإن ركب طريقه قضى، وإن ركب بعضاً كفى، ولو عجز يركب.

سوم: اگر نذر کند پیاده به حج برود واجب است وقتی از معابر⁽²⁾ می‌گذرد به حالت ایستاده باشد؛ پس اگر تمام مسیر را با مرکب بپیماید باید حج را قضا کند، ولی اگر بخشی از مسیر را سوار بر مرکب باشد کفایت می‌کند و اگر ناتوان شد (می‌تواند) بر مرکب سوار شود.

2- مقصود از معابر، مکان‌هایی است که فرد مجبور است با کشتی یا شبیه آن عبور کند که باید در این موارد داخل کشتی یا آن وسیله نقلیه ایستاده بماند تا اینکه از آن معبر بگذرد. (مترجم)